

مطالعه و بررسی خانه تاریخی

خراسانی گرگان

www.ketab.ir

تالیف و گردآوری:

سید محسن حسینی

شهرزاد آینه چی

- سرشناسه : حسینی، سیدمحسن، ۱۳۶۵ اسفند -
- عنوان و نام پدیدآور : مطالعه و بررسی خانه تاریخی خراسانی گرگان/ تألیف و گردآوری سیدمحسن حسینی، شهرزاد آینه‌چی.
- مشخصات نشر : گرگان: انتشارات نوروزی، ۱۳۹۸.
- مشخصات ظاهری : ۳۰۵ ص.
- شابک : 978-622-02-0424-4
- وضعیت فهرست نویسی : فیبا
- شماره افزودنی : آینه‌چی، شهرزاد، ۱۳۶۵ -
- شماره بنای کنگره : NA۴۵۷۴
- رده بندی دیوید : ۰۹۵۵۲۱۳۲/۷۲۹
- شماره کتاب‌ناسی ما : ۵۶۷۶۳۰۶

مطالعه و بررسی خانه تاریخی خراسانی

گرگان تألیف: سید محسن حسینی شهرزاد آینه‌چی

نوبت چاپ: اول- ۱۳۹۸

مشخصات ظاهری: ۳۰۵ ص

قطع: وزیری

شمارگان: ۳۰۰ جلد

شماره شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۰۲-۰۴۲۴-۴

چاپ و نشر: نوروزی- ۰۹۱۱۲۷۰۷۷۱۶

قیمت: ۱۶۰/۰۰۰ تومان



نشانی: گلستان، گرگان، خیابان شهید بهشتی، بازار رضا(ع). ۰۱۷-۳۲۲۴۲۲۵۸

دورنگار: ۰۱۷-۳۲۲۲۰۰۴۷ آدرس الکترونیکی: Entesharate.noruzi@gmail

سایت انتشارات: www.Entesharate-noruzi.com

۱	 مقدمه:
۲	 گرگان به روایت تاریخ
۳	 تاریخچه گرگان و دشت
۸	 پیشینه تاریخی گرگان
۸	 بنای شهر «است. آباد «گرگان کنونی»
۱۰	 نقل از لنت نامه دهخدا
۱۰	 در مشترک نام گرگان
۱۲	 اطلاعاتی از آبسکون
۱۳	 لغت نامه دهخدا:
۱۴	 اطلاعاتی از سد معروف گرگان
۱۵	 گرگان از لحاظ باستان شناسی
۱۶	 جغرافیای تاریخی گرگان به روایت نویسندگان عهد قدیم
۱۷	 مجملی از تاریخ دوهزار و پانصد ساله گرگان قبل از اسلام
۱۸	 گرگان بعد از اسلام
۱۹	 نظری بتاریخ اجتماعی و اقتصادی گرگان و دشت ماقبل تاریخ
۲۰	 از مادها تا اعراب
۲۱	 برخی آثار و بناهای تاریخی و فرهنگی:
۲۱	 تورنگ تپه.
۲۲	 دیوار تاریخی گرگان

صفحه	عنوان
۲۲	دوره اسلامی
۲۳	مسجد جامع گرگان
۲۴	مدرسه عمادیه
۲۵	امامزاده اسحاق (نور)
۲۶	امامزاده روشن آباد
۲۷	بناهای غیر مذهبی
۲۷	کاخ موزه گرگان
۲۸	خانه باقری ها
۲۹	وضع شهر استرآباد
۳۰	گرگان در پنجاه سال پیش
۳۳	حدود و جهات اربعه استرآباد
۳۳	سیر تحول گرگان
۳۶	تصویر استرآباد در سفرنامه سیاحان و تاریخ نوین آن
۴۰	سیستم حرکت آب در استرآباد
۴۱	آشنایی با بافت تاریخی و خصوصیات معماری گرگان
۴۵	وضعیت بناهای مسکونی بافت
۴۷	معرفی بناها و محله سرچشمه
۵۵	بررسی های آسیب شناختی بافت تاریخی محله سرچشمه
۵۶	عوامل مخرب درونی
۵۶	عوامل مخرب بیرونی

۵۷	عوامل مربوط به محیط طبیعی:
۵۷	عوامل محیط مصنوع (انسانی):
۵۸	عوامل اجتماعی:
۶۳	عوامل اقتصادی:
۶۴	عوامل کالبدی:
۶۶	نتیجه گیری:
۶۷	خانه
۶۸	نگاهی به خانه در قديم
۷۰	معرفی خانه خراسانی
۸۸	تحليل ماهيت معماری بنا
۸۸	نور:
۸۹	حجم يا توده کلی:
۹۰	فضای ارتباطی به فضای مورد استفاده:
۹۳	جز به کل
۹۴	هندسه
۹۴	تعادل و تقارن
۹۶	سلسله مراتب
۹۷	الحاق و کاهش
۹۷	ویژگی های معماری بنا از لحاظ بهره گیری از شرایط اقلیمی:
۹۹	ارزش های هنری و تزئینات:

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
ارتباط معماری با تزئینات وابسته به آن	۱۰۰
رنگ در معماری	۱۰۰
ویژگی های ساختاری بنا:	۱۲۴
چوب	۱۲۴
جرزها و دیوارها	۱۳۲
سبک سازی	۱۳۶
پی	۱۳۸
آجر	۱۴۰
سفال	۱۴۲
سنگ	۱۴۳
ملات:	۱۴۴
ملات کاهگل:	۱۴۵
ملات گچ:	۱۴۶
مطالعات تطبیقی	۱۴۸
موقعیت قرارگیری نسبت به معبر، فرم کلی پلان و قرارگیری حیاط در آن	۱۵۰
بررسی ورودی خانه ها نسبت به معبر و حیاط	۱۵۱
بررسی تقارن در بناها	۱۵۲
بررسی شکل کلی و عناصر بناها	۱۵۴
نتیجه گیری	۱۵۸
ارزیابی	۱۵۹

.....	ارزش تاریخی	۱۵۹
.....	ارزش معماری و هنری	۱۶۰
.....	ارزش سازه ای	۱۶۱
.....	بافت پیرامونی:	۱۶۱
.....	آسیب شناسی	۱۶۳
.....	زمینه و عوامل فرسایش و ویرانی آثار تاریخی	۱۶۶
.....	آسیب خاری	۱۶۹
.....	نتیجه گیری	۱۷۲
.....	مبانی نظری مداخله	۱۹۸
.....	۱،۱،۵. تعاریف	۲۰۱
.....	طرح حفاظت	۲۰۷
.....	حفاظت موقتی از قسمت هایی که در معرض خطر قرار دارند:	۲۱۰
.....	شمع بندی	۲۱۱
.....	شاهدگذاری	۲۱۳
.....	ارائه طرح مرمت	۲۱۶
.....	رطوبت صعودی	۲۱۶
.....	کانال دفع رطوبت:	۲۱۷
.....	رطوبت نزولی:	۲۱۸
.....	مشاهده صدمات ناشی از رطوبت در بنا	۲۱۹
.....	استحکام بخشی چوب	۲۲۲

صفحه	عنوان
۲۲	تقویت بخشی با روش های مکانیکی:
۲۳	استحکام بخشی چوب به روش اشباع کردن
۲۳	اشباع کردن با استفاده از رزین های مصنوعی:
۲۴	ترمیم و نگهداری:
۲۵	چسبهای اپوکسی رزین
۲۵	مرمت سقف طبقات
۲۶	مرمت نمای بنا
۲۷	مرمت دیوارهای داخلی و خارجی بنا
۲۸	پوشش سقف
۲۹	مرمت حیاط ها
۳۰	گربه رو ها
۳۱	مراحل مرمت و بهسازی گربه روها:
۳۱	پله ها
۳۲	کلاف چوبی ساختمان
۳۵	باز زنده سازی
۴۵	باز زنده سازی محله سرچشمه و خانه خراسانی
۵۳	طرح پیشنهادی
۸۰	منابع و مأخذ:

مقدمه:

بافت قدیم و عناصر شهری قدیمی آن و پیوند خوردن آنها با بافت جدید تصویری روشن از ویژگی‌های کالبدی و قابل رویت شهر گرگان را از قبیل اندازه، شکل، موقعیت، سبک معماری را بدست می‌داد. اما پس از ورود اتومبیل و احداث کوچه‌ها و خیابان‌های عرض در دیگر نقاط شهر و وجه مدرن پیدا نمودن این محلات، ما شاهد کوچ مردم از محلات قدیمی تاریخی و سکونت آنها در این محلات جدید شدیم و در دهه‌های اخیر این هسته‌ها در ساحت نقش زندگی مسکونی در محلات قدیمی موثر واقع شدند و باعث کمبود جمعیت ساکن و کاهش آن در بافت قدیم و در نتیجه از بین رفتن این بافت به صورت تدریجی شده‌اند. از گذشته‌های دور نقش‌های تاریخی، مذهبی و... را در خود پرورانده است.

در نتیجه عدم توجه آگاهانه، این بافت، دیگر برای زندگی امروزی جالب توجه به نظر نمی‌رسد و افراد دیگر رغبتی به زندگی به دلایلی چون متروکه شدن، کمبود تسهیلات زندگی، نزول سطح فرهنگی و... در آن مانند گذشته‌ها نشان می‌دهند. همانطور که می‌دانیم، بافت‌ها و بناهای با ارزش تاریخی و فرهنگی کشور مملو از عظیم‌ترین ارزشمندی است که امروزه به علت عدم توجه کافی در حال فرسودگی هستند.

اینگونه بناها ضمن آنکه از جنبه اقتصادی و تامین رفاه عمومی، دارای اهمیت زیادی هستند، در عین حال باعث پیوند ما با گذشته و آموزش دوباره از تجارب گرانمای آنان می‌گردد.

احیای یک بنای قدیمی که دارای ارزش‌های گوناگونی می‌باشد به معنای دمیدن روحی تازه در کالبد آن بوده و این امر بسیار با ارزش‌تر از ساختن یک بنای جدید می‌باشد. از

سویی دیگر اعطای عملکرد مناسب، ضمانت ماندگاری بیشتر این بناها در طول زمان می باشد. زیرا یک بنای فاقد عملکرد دیر یا زود به سوی زوال پیش می رود. در این کتاب آنچه مدنظر است معرفی خانه تاریخی خراسانی که در محله سرچشمه گرگان واقع شده در جهت ایجاد حیات مجدد و فعالیتی بهینه برای آن و جریان یافتن زندگی دوبار در این بنا و در نتیجه این بافت کهن می باشد.

گرگان به روایت تاریخ

این استان بزرگترین و آراسته‌ترین سرزمین در شمال ایران در سده‌های اول اسلامی و قبل از آن بوده است. این سرزمین تا قرن هفتم موسوم به ایالت گرگان بوده و از قرن هفتم تا چهاردهم بنام ایالت استرآباد نامیده شد. سابقه تمدن در آن با توجه به سابقه باستان شناسی به حدود هفت هزار سال قبل برمی گردد و در حقیقت یکی از قدیمیترین ایالت‌های ایران و مرکز عمده تمدن نشین از ریائنها در شمال ایران بوده است. در گذشته وسعت آن به تنهایی بیش از وسعت ایالت مازندران و گیلان بوده و با سرزمینهای وسیعی چون سعه و خوارزم برابری می کرد. این استان از زمان هخامنشیان به بعد به صورت یک ایالت، با تشکیلات منظم درآمد و در آن نام هیرکانی یا هیرکانیا از معروفترین ایالات ایران بوده است.

زمان سامانیان به همراه چندین ایالت دیگر در مجموعه سرزمین خورآسان ایران قرار داشت. با ورود اسلام و در سده‌های اولیه آن به خصوص دوران طلایی اسلام و بعد از آن گرگان نقش مهمی در شکوفایی فرهنگ و تمدن اسلامی و ایرانی داشته است به طوری که دانشمندان و شاعران بزرگی همچون عبدالقاهر جرجانی (مؤلف اسرارالبلاغه و دلائل الاعجاز)، سیداسماعیل جرجانی (مؤلف ذخیره خوارزمشاهی اولین و بزرگترین دایره‌المعارف پزشکی به زبان فارسی)، فخرالدین اسعد گرگانی (سراینده ویس و رامین) و

میرداماد (مؤلف قبسات و صراط‌المستقیم) و فندرسکی و ... می باشد. گرگان امروز که تا اسفند ۱۳۱۶ استرآباد خوانده می شد، در عهد صفویه به دارالمؤمنین مشهور بوده است.

تاریخچه گرگان و دشت

گرگان همان استرآباد سابق است که فرهنگستان ایران بدون توجه بمأخذ تاریخی آن که بعداً شرح داده خواهد شد در سال ۱۳۱۶ خورشیدی شهرستان استرآباد را بنام شهرستان گرگان و شهر استرآباد را گرگان و صحرای ترکمن را بنام دشت گرگان نامگذاری کرد. گرگان با اطلاق عام شامل سرزمینی است بین خراسان و طبرستان و باطلاق خاص شهری قدیمی است که ویرانه‌هایش در ۳ کیلومتری گنبدکاووس کنونی دیده می شود. این شهر در عهد مغول قتل عام و در لشگرکشیهای تیمور یکسره ویران گردید. استرآباد (گرگان فعلی) یکی از شهرهای مهم سرزمین گرگان و گویا در زمان هخامنشیان کرسی آن بوده است. پس از قتل عام و ویرانی شهر گران بدست مغول و تیمور این شهر، رونق بیشتری گرفت و این خطه را نیز استرآباد امیده اند. گرگان در (اوستا) بوصرت (وهرکانه) و در کتیبه داریوش کبیر در بیستون، «ورکانه» و در کتب پهلوی «وورکان» و «گورگان» ضبط شده است و یونانیان آنرا «هیرکانی» می گفتند و معرب آن جرجان است. جغرافی نویسان قدیم در سرزمین گرگان قدیم در سرزمین گرگان از شهری بنام (زادراکرت) نام برده اند که جمعی از محققان آن را با استرآباد تطبیق کرده اند استرآباد در بعضی از متون فارسی بصورت‌های «استارآباد» «استارآباد» «ستارآباد» و «استاروا» آمده است. جغرافی دانان و سفرنامه نویسان اسلامی در باره گرگان و استرآباد مطالبی نگاشته اند که ذکر بعضی از آنها بترتیب تاریخ خالی از فایده نیست. یعقوبی در کتاب البلدان خود که سال ۲۷۸ هجری تألیف کرده، گرگان را چنین توصیف نموده است: «و از ری تا گرگان هفت منزل راه است و شهر گرگان بر نهر (دیلیم) واقع است و سرزمین گرگان را (سعدبن عثمان) در

حکومت معاویه فتح کرد. سپس یاغی گشت و مردم از اسلام بازگشتند تا آنکه (یزید بن مهلب) در حکومت (سلیمان بن عبدالملک بن مروان) آنرا فتح نموده و خراج سرزمین گرگان ده میلیون درهم است و افزارهای چوبی نیک، از خدنگ و جز آن و انواع جامه های حریر در آنجا ساخته می شود. و شتران بختی تنومند در آنجاست. و در زمین گرگان خرما درخت بسیار است.» «ابودلف مسعر بن مهلهل» در سفرنامه خود به ایران بسال ۳۴۱ هجری از گرگان چنین یاد می کنند. «جرجان شهر زیبا و در کنار رود بزرگی در میان کوه ودشت و خشکی و دریا واقع است. و در آنجا خرما، زیتون، نیشکر و انار و پرتقال می روید. و ابریشم بسیار عالم برآمد می شود که رنگ آن تغییر نمی کند. در جرجان اقسام زیادی سنگ یافت می شود. هر کدام خاصیت‌های عجیبی دارد در آنجا نیز افعی های هولناک وجود دارد ولی آزاری ندارد.» در کتاب (حدودالعالم من المشرق) م من المشرق الی المغرب تألیف شده بسال ۳۷۲ هجری گرگان اینچنین توصیف گردیده است:

«گرگان شهری است مراورا ناحیتی بزرگ است و سوادی خرم و کشت و بذر بسیار و نعمت فراخ و سرحد میان دیلمان و خراسان، مردمی اند درست صورت و جنگی و پاک جامه و با مروت و میهماندار. و این شهر به دو نیم است. (شهرستان) و (بکرآباد) و رود (هرند) کز طوس برود به میان این هر دو نیمه بگذرد و هر یک از این دو شهر را پادشاهان طبرستان است. و از وی جامه ابریشم سیاه خیزد و وقایعه، دیبا و قزین.»

در ترجمه مسالک و ممالک اصطخری تألیف شده در قرن چهارم و ترجمه در قرن پنجم یا ششم از گرگان چنین یاد شده:

«گرگان شهری بزرگ است و باران و نم چنان نباشد که در طبرستان و مردم گرگان مردمانی خوش طبع و با مروت باشند و بیرون شهر محلتی هست که آنرا بکرآباد خوانند و رودی بزرگ در میان. و ابریشم و جامه های نیکو خیزد از گرگان و تخم ابریشم گرگانی را

در طبرستان ابریشم نخیزد. و در ناحیت گرگان آبهای بسیار باشد و نواحی کشاورزی فراوان هست و چون از عراق گذشتی هیچ شهری جامع تر از گرگان نیست و میوه گرمسیر و سردسیر آنجا یابند و به تابستان برف نزدیک بود و از گرگان مردمان معروف برخاسته اند چون (عمرکی) و غیره.»

یاقوت در معجم البلدان که ابتدای تألیف آن بسال ۶۱۶ هجری بوده از جرجان چنین یاد کرده است:

«جرجان بضم الج صاحب ریج گوید طول جرجان ۸۰ درجه و سه ربع و عرض آن ۳۸ درجه و پانزده دقیقه از اقلیم پنجم است و برخی گویند از اقلیم چهارم است. بطلمیوس در کتاب (الملحمه) گوید طول جرجان ۸۶ درجه و ۳۰ دقیقه و عرض آن ۴۰ درجه از اقلیم پنجم است. جرجان شهر ریاست میان طبرستان و خراسان بعضی آنرا جزء خراسان و بعضی ضمیمه مازندران دانند. گویند ارباب کسیکه آنرا بنا نهاد (یزید بن مله‌ب بن ابی صفره) بود. از این شهر ادباء و علمای فقه و حدیث بسیار برخاسته اند و (حمزه بن یزید سهمی) تاریخی بنام آن شهر تألیف کرده است

حمدالله مستوفی در کتاب «نزه القلوب» که بسال ۷۴۰ تألیف کرده از گرگان چنین یاد کرده است:

«جرجان از اقلیم چهارم است طولش از جزایر خالادات (ص) و عرض از خط استوا (لونه) نبیره سلطان ملک‌شاه ساخت. دور و برش هزار گام است هوایش گرم است و متعفن و آبش از کوه اما چون کوه نزدیک دارد در هنگام گرما برف از کوه بیاورند و اصلش غله و پنبه و ابریشم بود و از میوه هایش خرما و انگور و عناب و سنجد نیکو بود. و از نیکوئی نشو و نما درخت دو سه ساله از ده ساله دیگر ولایات قویتر و بقوت تر باشد و اهل آنجا شیعی و صاحب مروت باشند و در اوایل عهد اسلام کثرت و غلبه عظیم داشته اند و در زمان آل

بویه به وبا و جنگ نقصانی فاحش در عددشان ظاهر شد و در عهد مغول قتل عام رفت اکنون خراب است. و از آنجا مردم اندکند. فیروز ساسانی در آن حدود جهت دفع تنازع تورانیان دیواری طولش پنجاه فرسنگ بساخت و از مزار اکابر تربت (محمد بن جعفر الصادق «ع») آنجاست آن مزار بگور سرخ مشهور است و در آنجا دو سنگ آسیاس هر یک را بیست گز قطر و دو گز ضخیم.

در کتاب حدود العالم استرآباد چنین توصیف گردیده است:

استرآباد شهریست به ناحیت دیلمان بر دامن کوه نهاده با نعمت و خرم و آبهای روان هوای درست و آسان بدو زبان سخن گویند یکی به (لوترا) ی استرآبادی و دیگر پارسی گرگان و از ورای آنجا بسیار خیزد از ابریشم چون مریم و زعفروری گوناگون در ترجمه مسالک و ممالک از طخری از استرآباد چنین یاد گردیده است:

(استرآباد به دریا نزدیک است. از آنجا به آبسکون روند و بدریا سوی خزر و دربند دیلمان و دیگر جایها رود و در این همه نواحی هیچ فریضه بهتر از آبسکون نیست و این ناحیت ثغری هست آنرا دهستان خوانند جایی پر نعمت و از ثغور غزیه است و خوارزم، ترکان آنجا آیند.)

یافوت در معجم البلدان در باره استرآباد چنین نوشته است: (استرآباد شهر بزرگ مشهوریست که عده زیادی از اهل علم از آنجا برخاسته اند و آن از اعمال طبرست است و بین ساری و جرجان و در اقلیم پنجم قرار دارد. طول آن ۷۹ درجه و ۵۰ دقیقه عرض آن ۳۸ درجه و سه ربع است.)

حمدالله مستوفی در نزه القلوب در باره استرآباد چنین می نویسد:

«استرآباد از اقلیم چهارم است طولش از جزایر خالدهات (فطاله) و عرض آن خط استوا (لونه) شهری وسط است نزدیک به دریای خزر و آب و هوای معتدل دارد حاصلش غله و میوه و انگور و ابریشم باشد.»